

کشتار وحشیانه و جنایتکارانه مردم بیگناه توسط گروه سفاک طالبان را شدیداً محکوم می کنیم!

وبسایت فارسی (بی بی سی) بتاريخ 27 اگست 2012 از قول سخنگوی والی ولایت هلمند گزارش داد که در نتیجه درگیری بین دو قوماندان طالب بتاريخ 26 اگست هفده نفر در ولسوالی کجکی ولایت هلمند کشته شده اند؛ لیکن والی هلمند در نخستین اظهاراتش به بی بی سی گفته بود که احتمالاً کشته شدگان در نظر داشتند که "قیام مردمی" علیه طالبان را در ولایت هلمند راه اندازی کنند. در خبر دیگری دولت مزدور گفته است که این افراد ابتدا از سوی طالبان سربریده شده و سپس تیرباران شده اند. همچنین همین منبع گفته که این منطقه تحت کنترل طالبان است و دولت کاری در تحقیق قضیه انجام داده نمی تواند. سخنگوی دولت مزدور مطالب دیگری را نیز در مورد گفته است که گویا در منطقه "بزم شبانه و مجلس رقص" برپا بوده که خشم طالبان را برانگیخته و به چنین جنایت هولناکی دست زده اند. (شاید طالبان خواسته اند با وارد کردن این اتهام به قربانیان شان این جنایت شنیع خود را "توجیه" کنند- تبصره از ماست). همچنین گفته شده که این جنایت در جریان تصفیه حسابهای شخصی دو قوماندان طالبان رخ داده است. بتاريخ 28 اگست مطبوعات "غیر دولتی" در افغانستان گزارش داد که طالبان در ولایات هلمند، میدان وردک و غور (25) تن دیگر از مردم را ذبح کرده اند. همچنین بتاريخ (31) اگست دولت مزدور کابل گزارش داد که در ولایت قندهار طالبان یک پسر بچه را سربریده اند. گفته شده که این پسر بچه دوازده ساله را بخاطر انتقامگیری از برادرش که مامور پولیس دولت مزدور است سربریده اند. و در ولایت کاپیسا یک دختر بچه هشت ساله توسط افراد ناشناس سربریده شده است. همچنین سخنگوی والی قندهار گفت که؛ چند هفته قبل طالبان یک نوجوان چهارده ساله را به اتهام "جاسوسی" به نفع دولت سربریده اند.

چند هفته قبل از این قتل عامهای سبعانه مطبوعات غربی گزارش دادند که در ولایات جنوبی و شرقی کشور (ننگرهار و لغمان) و همچنین در ولایت غزنی قیامهای از طرف مردم علیه طالبان صورت گرفته است. لیکن روز دوشنبه (27 اگست) تعدادی از اعضای مجلس نمایندگان، پارلمان دولت مزدور گفتند "دولت که این مردم را مسلح کرده است در درآمدت می تواند به تهدیدی علیه امنیت مبدل شود. وعده ای هم گفتند که دولت باید این حرکتها را به گونه درست مدیریت کند". لیکن مردم این مناطق ظاهراً درباره این گونه "قیامها" گفته اند که "رفتار طالبان و مسدود کردن مکاتب و مراکز صحتی و ممانعت از عملی شدن برنامه های بازسازی آنها را مجبور به این اقدام مسلحانه علیه آنها کرده است".

طی سی و چهار سال اخیر وحشیانه ترین جنایات و تجاوزات و انواع ستم و استبداد از جانب ابر قدرت سوسیال امپریالیسم روسی و قدرتهای امپریالیستی امریکائی و اروپائی و دولتهای مزدورانها و گروه های جهادی و طالبی و ملیشه ای بر مردم ما اعمال شده است. در ماه اکتوبر سال 2001 میلادی ابر قدرت امپریالیستی امریکا و متحدین آن به افغانستان تجاوز نظامی کرده و آنرا به اشغال استعماری درآوردند. دولت امریکا و ناتو در آستانه این لشکرکشی با انواع تبلیغات گمراه کننده و ترفندهای استعماری توده های مردم را (که از وحشت و جنایت رژیم طالبان و گروه های جهادی به تنگ آمده بودند) اغوا کردند. مردم در ابتدا تصویری کردند که شاید با آمدن این قدرتهای خارجی به کشور اوضاع بهتر شده و از فشار ستم و مظالم بر آنها کاسته خواهد شد. لیکن با گذشت زمان مردم افغانستان جنایات امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو و دولت مزدورانها را با پوست و گوشت شان لمس کردند و چندین بار دست به اعتراضات و تظاهرات زده و حتی در برخی از مناطق علیه قدرتهای اشغالگر دولت مزدور مرکزی شورش کرده اند. اما در همه حالات توسط دولت مزدور و اشغالگران خارجی با لطایف الحیل فریب داده شده و یا سرکوب خونین شده اند. مردم ما در شرایط کنونی بیش از هر زمانی تحت فشار جنایات و تجاوزات قدرتهای امپریالیستی اشغالگر دولت مزدور و نیروهای طالبان و گلب الدین و حقانی و گروه های مختلف مافیائی به ستوه آمده اند. متأسفانه ملاحظه می شود که باز هم توسط امپریالیستهای

اشغالگرودولت مزدور از طریق خوانین و سران اقوام اغوا شده وبا سلاح ومهمات قدرتهای اشغالگرودولت مزدور علیه طالبان دست به مقاومت مسلحانه زده اند. از آنجاییکه در این اواخر تعداد تلفات ارتشهای اشغالگر افزایش یافته است؛ لذا امریکا وناتوبا مسلح کردن مردم این مناطق وقراردادن آنها در برابر طالبان می خواهند بارفشارجنگ رازدوش عساکرخود کم کنند وبدین وسیله مردم مظلوم ماراگوشتم توپ بسازند. که قتل هفده تن درولسوالی کجکی وکشتار 28 تن درولایات دیگر از مثالهای آنست. امپریالیستهای امریکائی درسالهای قبل از این ترفند و"تاکتیک" درعراق نیزاستفاده نموده ودربرخی ازولایات عراق سران اقوام وقبایل را علیه گروه های القاعده مسلح کردند.

بدین صورت با ادامه این وضع، کشتار فحیح توده های مردم از طرف طالبان در مناطق مختلف کشور وحشیانه تر از قبل ادامه خواهد یافت. طالبان وگروه های متحد اسلامی خارجی آنها(گروه های مختلف القاعده وطالبان پاکستانی) که از کشتارانسانها عطش سیری ناپذیری دارند واز ذبح انسان لذت می برند واز جهتی هم این گونه اعمال راجزء وظایف شرعی شان می دانند؛ این ترفند خائنه اشغالگران امریکائی وناتو ودولت مزدور بهانه دیگری بدست آنها می دهد تا بیش از پیش مردم مظلوم ما را(که طی یازده سال اخیر بین این نیروی جنایتکار ووحشی خارجی وداخلی گرفتار آمده وهر روز کشته می شوند) بنام طرفداری از قدرتهای اشغالگرودولت مزدور، هدف حملات جنایتکارانه شان قرار دهند. این گونه اعمال وحشیانه بیانگرفاشیسم اسلامی است که این گروه های وحشی وجانی طی سی وچهار سال درمواقع مختلف بر خلق ستمدیده افغانستان وعراق واکنون درسوریه اعمال کرده ومی کنند. ومطیع ساختن بلاقید وشرط مردم از اوامر آنها از طریق اعمال جزاهای قرون وسطائی وایجاد فضای وحشت وکشتار بی رویه یکی از تاکتیکهای وحشیانه وضدانسانی این گروه های سفاک مزدور است.

مردم افغانستان باید بیدار شوند وموقعیت خود ومیهن خود رادرک کنند ودوستان ودشمنان خود رابه شناسند. در شرایط کنونی با تحلیل اوضاع کشور وموقعیت تضادهای طبقاتی وملی؛ امپریالیستهای امریکائی وناتو ودولت دست نشانده کرزی ازدشمنان عمده خلق ومیهن هستند. اینها تضاد عمده را در جامعه تشکیل می دهند. وگروه های طالبان وحقانی وگلب الدین از نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال وکمپرادور ومزدور امپریالیسم ودولت های ارتجاعی پاکستان وسعودی بوده وجناح دیگری ازدشمنان خلق ومیهن هستند که برای بدست آوردن قدرت دولتی می جنگند ووسیله پیشبرد سیاستها واهداف استعماری قدرتهای امپریالیستی اند. اینها از یک طرف در حال جنگ ونزاع با قدرتهای اشغالگرودولت کرزی هستند واز طرف دیگر در زد وبند ورابطه پنهانی وآشکار با آنها قرار دارند. طالبان در حقیقت عمده ترین وسیله در "توجیه" تجاوز و اشغالگری ومستعمره سازی افغانستان از طرف امپریالیستهای امریکائی وناتو طی یازده سال اخیر بوده اند. جناح دیگر ازدشمنان خلق وکشورگروه های ارتجاعی جانی ومزدور هستند که ظاهراً بیرون از چوکات دولت دست نشانده قرار دارند؛ اینها طیفهای مختلف از گروه های جهادی، پرچمی خلقی ها، سازائیهها، ملیشه ها وطیفهای مختلف تسلیم طلبان هستند که خود را "اپوزیسیون" دولت مزدور می خوانند. این گروه هانیز نماینده طبقات ارتجاعی فئودال وکمپرادور ومزدور امپریالیسم اند ودر شرایط کنونی عمدتاً از جانب آنعده از قدرتهای امپریالیستی ودولتهای ارتجاعی حمایت می شوند که ظاهراً در اشغالگری کنونی در افغانستان سهم مستقیم ندارند. اینها خود را باصطلاح از نظرافتادگان قدرتهای امپریالیستی اشغالگر می خوانند وبارها در این زمینه از آنها گلیله وشکوه کرده اند.

شک نیست که در شرایط کنونی مردم ما از عملکرد های وحشیانه وجنایات گروه های طالبان، حقانی و گلب الدین در مناطق تحت کنترل آنها سخت در عذاب هستند. وقدرتهای اشغالگرودولت دست نشانده هم سعی می کنند تا از این مخالفت توده های مردم علیه طالبان در جهت منافع استعماری وارتنجاعتی وتحکیم پایه های تسلط وقدرت شان سوء استفاده کنند. گفته می شود که این قیامهای مسلحانه درولایات ومناطق متذکره در ابتدا گویا به شکل خودبخودی آغاز شده اند وبعد قدرتهای اشغالگرودولت مزدور سلاح وتجهیزات ومهمات بدسترس آنها قرار داده اند. دولت مزدور تا حال تنها حمایت رسمی خود را از این حرکتها در مناطق مختلف اعلام داشته ودر باره دادن اسلحه به این نیروها سکوت اختیار کرده است. در حالیکه قرار معلوم دولت مزدور و اشغالگران اسلحه وپول بدسترس سران اقوام وقبایل با نفوذ این

نیروها قرارداد داده اند. از اینجاست که ماهیت "مردمی" این قیامها زیرسؤال می رود. و اینها نیز آگاهانه و یا ناآگاهانه به ملیشه های آله دست قدرتهای اشغالگردولت مزدورمبدل شده اند.

اما در شرایط کنونی راه نجات واقعی توده های خلق وکشور از این شرایط جهنمی پیشبرد یک مبارزه سیاسی گسترده و سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه دشمنان عمده خلق وکشور وطرده تسلط استعماری آنها و سرنگونی دولت مزدور است. بعد از آن است که مبارزه علیه گروه های طالبان وحقانی وگلب الدین و دیگر جناحهای ارتجاعی نمایندگان طبقات فئودال وکمپرادور نوکرامپریالیسم عمدگی می یابد که باید مبارزه مسلحانه را همچنین تا سرنگونی آنها ادامه داد. و با طرد سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و سرنگونی دولت مزدور و این همه طیفهای دشمنان خلق و میهن از طالبان و حقانی و گلب الدین و گروه ها و احزابی بنام "اپوزیسیون" دولت مزدور و دیگر گروه های ارتجاعی و قطع سلطه امپریالیسم و ارتجاع منطقه از کشور است که تضاد اساسی جامعه (تضاد بین خلق با فئودالیزم، کمپرادوریزم و امپریالیسم) حل شده و مردم ما به استقلال و آزادی واقعی رسیده و حاکم بر سر نوشت سیاسی شان شده و مالک خاک و ثروتهای کشور خود می شوند. اما مردم ما باید باین درک و آگاهی سیاسی برسند که حل این همه تضادها در جامعه بدون رهبری یک حزب و واقعاً انقلابی پرولتری ممکن نیست. همچنین مردم ما باید باین نکته توجه کنند که در مقاطع مختلف تاریخ کشور همین طبقات فودال و کمپرادور و نمایندگان آنها بوده اند که زمینه ساز مداخلات و تجاوزات و تسلط استعماری قدرتهای امپریالیستی در امور کشور ما شده اند. طی همین سی و چهار سال اخیر گروه های ارتجاعی خاین و وطن فروش خلقی پرچمی، جهادی، ملیشه ای، طالبی و دیگر گروه ها و افراد خاین و وطن فروش بوده اند که زمینه این همه مداخلات و تجاوزات را برای ابر قدرت سوسیال امپریالیستی و امپریالیستهای امریکا و ناتو و کشورهای منطقه در کشور فراهم کرده اند. مردم ما فقط با کسب آگاهی سیاسی مترقی و با مبارزه مسلحانه طولانی می توانند این دشمنان طبقاتی و ملی را شکست بدهند. در غیر آن به استقلال و آزادی و حاکمیت سیاسی طبقاتی شان نخواهند رسید. مردم افغانستان در مناطق مختلف کشور باید بدانند که از این طریق یعنی با سلاح و پول امپریالیستهای اشغالگردولت مزدور نمی توانند از شرط طالبان خلاص شوند. باید مبارزه مسلحانه را با اتکاء به نیروی خودی سازمان دهند. شرط اساسی خلاصی از وحشت و بربریت طالبان و حقانی و گلب الدین و دیگر گروه های ارتجاعی جنایتکار؛ ابتدا رهائی از تسلط استعماری قدرتهای امپریالیستی و حاکمیت دولت مزدور آنهاست. در اوضاع کنونی کشور نیروهای انقلابی مردمی و هرنیروی دیگری به تنهایی از عهده این مبارزه بزرگ برآمده نمی تواند و امکان پیشبرد این مبارزه در اتحاد تمام نیروها، سازمانها، گروه ها و افراد آزادیخواه، میهن دوست، دموکرات و مترقی در یک جبهه متحد ملی میسر می گردد. همه این نیروها تحت رهبری یک حزب و واقعاً انقلابی پرولتری می توانند یک مبارزه سیاسی و نظامی گسترده را در کشور سازمان داده و مبارزه مسلحانه توده های خلق را علیه ارتشهای اشغالگردولت مزدور رهبری کنند. این یگانه راه نجات خلق و میهن از این ورطه است.

3 آگست 2012

(وبسایت "پیام آزادی")